



پیام قوت جمهوری اسلامی

توصیف مقام معظم رهبری
از حضور مردم در مراسم تشییع سید ابراهیم رئیسی



فشار به جای تصرف

بررسی اهداف چین از دور جدید
تخرکات نظامی در اطراف جزیره تایوان



روایت حقوقی و منصفانه نفت

گفت و گو با احمد بنی جمالی درباره «خواب آشفته نفت»
به مناسبت ۱۰۱ سالگی محمدعلی موحد



ظهور ابر قدرت معدنی

عربستان از یک کشور تک محصولی به اقتصادی متنوع تبدیل می شود

نگاه هم میهن

تبعات انحصار خبری



افشین امیرشاهی
سردبیر آنلاین هم میهن

در سانحه سقوط بالگرد رئیس جمهور و همراهانش، ابهامها و پرسشهای فراوانی وجود دارد که قاعدتاً باید خیلی زود به آنها پاسخ شایسته و بایسته داده شود. این حادثه یک بار دیگر بحران اطلاع رسانی در شرایط بحرانی را به رخ کشید. متأسفانه از همان لحظه‌ای که خبر ناپدید شدن بالگرد رئیس جمهور اعلام شد، شاهد اخبار ضدونقیض فراوانی بودیم که نه تنها کمکی به درک ماجرا نمی کرد، بلکه باعث سردرگمی و ابهام بیشتری می شد؛ به خصوص که بیشتر این خبرها از سوی خبرگزاری‌های دولتی و رسمی و وابسته به برخی نهادها منتشر شد؛ به طوری که مدتی بعد همین خبرها را از تارنمای خودشان حذف کردند.

حتی خبرنگار الجزیره هم از این مسئله انتقاد کرد و گفت، رسانه‌های ایران هر لحظه یک خبر متفاوت منتشر می کنند.

قبل از هر چیز باید این سوال را مطرح کنیم که نظام اطلاع رسانی کدام هدف اصلی را دنبال می کند؟ آیا هدف اصلی ارائه اطلاعات در دست و دقیق است و از این طریق ایجاد همدلی و همبستگی بین مردم و حکومت است یا آنکه هدف اصلی آن تبلیغات است؟ سرگشتگی‌ای که در ادامه به آن اشاره می کنیم نشان دهنده سرگشتگی در راهبرد نظام اطلاع رسانی است.

نکته نخست اینکه درباره سانحه سقوط هلی کوپتر رئیس جمهور باید خیلی زود یک گزارش کامل و مستدل تهیه شود و در اختیار افکار عمومی قرار گیرد. همه پرسش‌ها و ابهام‌هایی که در روزهای گذشته درباره این سانحه مطرح شده نیز قاعدتاً باید پاسخ داده شود. این ابهامات از سوی بسیاری از تحلیلگران سیاسی، مقامات مسئول، روزنامه‌نگاران و رسانه‌های داخلی و خارجی مطرح شده است. انواع و اقسام تفسیرها و برداشت‌ها نیز مطرح شد. قاعدتاً برای تحلیل این اتفاق نمی توان صرفاً به اطلاعات میدانی بسنده کرد و نیازمند اطلاعات استراتژیک هم هست که از عهده اهالی رسانه بر نمی آید، بلکه کار شورایی عالی امنیت ملی و ستاد کل نیروهای مسلح است. این گزارش می تواند در چند نوبت تهیه و منتشر شود. یعنی گزارش اولیه حادثه به سرعت تهیه شود و در ادامه و طی روزهای بعد گزارش‌های تکمیلی در اختیار رسانه‌ها و افکار عمومی قرار بگیرد.

به هر حال از سوی بسیاری از تحلیلگران سیاسی، نظامی، روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی و مقامات مسئولان در روزهای اخیر سناریوها و پرسش‌های مختلفی درباره این حادثه مطرح شده که بسیاری از آنها در افکار عمومی هم مطرح است و می طلبد که یک گزارش مستدل از سوی مسئولان تهیه شود. این حادثه یک بار دیگر وضعیت اطلاع رسانی آشفته و نامناسب در شرایط بحران را آشکار کرده است. تیم‌های اطلاع رسانی ریاست جمهوری و دولت آشفته و بی برنامه بودند. قاعدتاً یکی از مهمترین کارها سر و سامان دادن به این نحوه اطلاع رسانی در کشور است. در چنین وضعیت‌هایی اولین چیزی که توقع می رود، تعیین یک سخنگوی واحد است که از طریق ایشان اطلاعات ضروری ارائه شود. در حالی که روال معمول در کشور ما این است که هر کس که موقعیتی اداری و سیاسی دارد، وارد جریان اطلاع رسانی می شود. ❏



محمد باقر قالیباف طیف رسمی اصولگرایان



علی لاریجانی اصولگرایان میانه رو



اسحاق جهانگیری جبهه اصلاحات



محمد مخبر طیف حامی دولت



محمد جواد آذری جهرمی طیف میانه رو



سعید جلیلی جبهه پایداری



مجید انصاری جبهه اصلاحات و مجمع روحانیون



مسعود پزشکیان جبهه اصلاحات

گمانه‌زنی‌ها و فضا سازی‌ها

در حالیکه طرح اسامی نامزدهای احتمالی انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری در محافل سیاسی آغاز شده است، حامیان دولت از صداوسیما و فضای احساسی مراسم تشییع برای معرفی خود به عنوان گزینه ادامه مسیر رئیس جمهور فقید بهره می برند



ارزیابی کارشناسان از انتشار اخبار ضدونقیض در سانحه سقوط بالگرد

بحران اغتشاش خبری

کامبیز نوروزی

کارشناس حقوق و رسانه

نهاد ریاست جمهوری و صداوسیما در این زمینه مسئولیت مستقیم داشتند تا خبرهای درست به موقع تنظیم شود و در اختیار مردم قرار گیرد. اما با تمام تأسّف شاهد بودیم این اتفاق نیفتاد. صداوسیما مثل همیشه منفعل بود، حتی در مواردی هم دنباله‌رو شبکه‌های اجتماعی. در حالی که این سازمان باید صحت اخبار را در اولویت قرار می داد و ضربان خبر را باید همین سازمان مدیریت می کرد. فقدان مدیریت خبر باعث شد تا اخبار نادرست و حتی خبرهای متناقض و متفاوتی تا همین حالا منتشر شود.

سعید معیدفر

رئیس انجمن جامعه شناسی ایران

اگر ما سیر تحول خبررسانی در حوادث پیش آمده را بررسی کنیم، می بینیم که پیش تر تلاش بیشتری برای جلب اعتماد عمومی صورت می گرفت اما الان رسانه‌های رسمی فقط قشر خاصی را که به لحاظ ارزشی با حاکمیت هم‌راستا هستند در نظر می گیرند تا همه مردم. رسانه‌های رسمی مدت‌هاست که مردم را در مقیاس ایران نمی بینند. شاید بتوانیم بگوییم، نگاه بیشتر مردم در چنین حوادثی، بیشتر به فضای مجازی و رسانه‌های غیررسمی و بین‌المللی باشد.

بیژن نفیسی

مدرس روزنامه نگاری

رئیس جمهوری عالی ترین سطح از مقام سیاسی کشور است و جایگاهش با وزیر و هیچ کس نگفت چر این کار را کردند؟ همه چیز ضدونقیض بود. در حالی که باید خبرها مدیریت شوند و خبرنگار میدانی مهمترین پوشش دهنده حادثه پیش آمده باشد. اگر اینگونه باشد جلوی بسیاری از حرف‌های غیرواقعی گرفته می شود. این بیماری در اطلاع رسانی از دیدگاهی ناشی می شود که نسبت به رسانه نگاه امنیتی دارد. در حالی که باید نسبت به رسانه‌ها نگاه تخصصی وجود داشته باشد.

مجید رضاییان

استاد دانشگاه و پژوهشگر روزنامه‌نگاری

در حادثه اخیر سقوط بالگرد رئیس جمهور، بحران خبری راه افتاد. اخبار جعلی منتشر شد و هیچ کس نگفت چر این کار را کردند؟ همه چیز ضدونقیض بود. در حالی که باید خبرها مدیریت شوند و خبرنگار میدانی مهمترین پوشش دهنده حادثه پیش آمده باشد. اگر اینگونه باشد جلوی بسیاری از حرف‌های غیرواقعی گرفته می شود. این بیماری در اطلاع رسانی از دیدگاهی ناشی می شود که نسبت به رسانه نگاه امنیتی دارد. در حالی که باید نسبت به رسانه‌ها نگاه تخصصی وجود داشته باشد.

سرمقاله

با احتمال سوم کار داریم

ستاد کل نیروهای مسلح، گزارش اولیه هیئت عالی بررسی ابعاد و علل سانحه بالگرد حامل رئیس جمهور را منتشر کرد. گزارش مقدماتی است که نشان می دهد اراده‌ای برای پیگیری وجود دارد و طبعاً انتظار می رود در ادامه تمام زوایای سقوط بالگرد مورد توجه هیئت محترم خواهد بود. برخی از این روایت را اینجا یادآوری می کنیم. این زوایا باید در روزهای آینده و پیش از انتخابات اخیر روشن و اعلام شود چون هیچ چیز پیچیده‌ای نیستند، و نیاز به زمان ندارند. واقعیت این است که عده‌ای گمان می کنند که رسیدگی به این اتفاقات فقط برای مج گیری از افرادی است که در اجرای وظایف یا رعایت مقررات اداری کوتاهی کرده‌اند. البته این نکته هدف مهمی است و باید هم انجام شود ولی در کنار آن، هدف مهمتر پیگیری از تکرار این گونه رخدادها زین بار در آینده است. یکی از علل تکرار بیش از حد متعارف این نوع رخدادها به ویژه در ایران همین تعلل در تدوین و درس آموزی از گزارش‌های دقیق پس از حادثه است.

تاکنون سه احتمال برای این رخداد در فضای کلی و عمومی به صورت غیررسمی مطرح شده است. اقدامات بیگانگان یا بدون همکاری مزدوران داخلی؛ توطئه داخلی؛ و بالاخره عدم رعایت ضوابط چنین سفرهایی از طرف مدیریت‌های مربوط است. به نظر می رسد که دو احتمال اول بیشتر جذابیت‌های سیاسی دارند و در ذیل نظریات توطئه قرار می گیرند که بازتاب و فراگیری اولیه آنها زیاد است و در ادامه کهرنگ خواهند شد و تاکنون نیز شواهدی حداقلی هم در تایید آن‌ها دیده یا منتشر نشده است. هدف از طرح آن‌ها معطوف به بهره‌برداری سیاسی و تضعیف ساختار یا در منگنه قرار دادن آن است. حتی ممکن است با هدف غفلت و فراموش کردن احتمال سوم باشد. چون احتمال سوم شاید ناظر به عملکردهای کسانی است که ممکن است در پی بهره‌برداری از این رخداد تا سانسبار باشند و ما هم با این احتمال سوم کار داریم. چون نمی شود که چنین سقوطی را شاهد باشیم و هیچ کس به عنوان مسئول شناخته نشود و به قول معروف پس از پایان ماجرا به این نتیجه برسیم که: «نه خانی آمده و نه خانی رفته».

از این رو ستاد کل نیروهای مسلح در کنار بررسی هر گزینه هر چند کم‌محتمل باید به ابعاد و پرسش‌های جدی تر این سقوط اشاره کند. در این جا به چند مورد آن که صرفاً مربوط به مدیریت داخلی و ناظر به احتمال سوم است اشاره می شود.

▲ مدیریت صفر تا صد این سفر به عهده کدام مرجع بوده است؟ رئیس دفتر؟ یا معاونت اجرایی؟ یا ستادی متشکل از نهادهای گوناگون؟

▲ چرا و بر اساس چه ضرورتی این سفر مستقیماً به پارس آباد انجام نشده است؟ تا نیازی به استفاده از بالگرد نباشد.

▲ آیا بالگردها به ویژه بالگرد آقای رئیسی برای حرکت در چنین ارتفاعی با مسافتی در این حد مجاز بوده است؟ حتماً توجه دارند که سطح رعایت ضوابط امنیتی برای افراد گوناگون تفاوت دارد.

▲ آیا گزارش سازمان هواشناسی نسبت به اعلان هشدار نارنجی؛ مورد بحث مسئولین سفر قرار گرفته بود؟ مرجع صلاحیت‌دار برای اینکه سفر با این بالگرد (گویا مدل بل ۲۱۲) در چنین آب و هوایی را برای رئیس جمهور مجاز بداند کیست و نظرش چه بوده است؟ آیا این بالگرد متناسب با این تعداد مسافر با حضور رئیس جمهور بوده است؟ ❏